



Clubhouse

گزارش جلسه‌ی کلاب‌هاوس

از رومینا تا غزل، سوگواری کافی است کاری باید کرد!

۲۲ بهمن ۱۴۰۰

از رومینا تا غزل، سوگواری کافی است کاری باید کرد

در روز جمعه ۲۲ بهمن ۱۴۰۰، جلسه گفتگویی از طرف کلاب هممون برگزار شد. با عنوان «از رومینا تا غزل، سوگواری کافی است کاری باید کرد». این گفتگو در پی قتل فجیع مونا (غزل) حیدری، دختر اهوازی به دست همسرش شکل گرفت و هدف آن یافتن راهکارهایی در جهت کم شدن زن کشی و قتل های ناموسی بود.

از خشونت بگو:

اهمیت بازگو کردن تجربیات زنان از خشونت

در ابتدای جلسه از همراهان خواسته شد که تجربیات خود از خشونت مردان خانواده بر زنان را بازگو کنند. آزاده از تجربه خود گفت: «من هم در خانواده خود بارها تهدید شدم، همه ما ممکن است قربانی چنین فجایعی شویم. برادر من واکنش تندی به خبر کشته شدن غزل نشان داد و آن را مرتبط با قومیت آنها دانست، در حالی که او خود بارها مرا تهدید جانی کرده بود. من همواره برای رسیدن به خواسته های خودم جنگیدم و بارها از طرف برادرانم مورد حمله و خشونت قرار گرفتم. اما خوشبختانه با صحبت کردن های مداوم توانستم وضعیت را کمی بهتر کنم.»

امیر نیز تجربه ای از کودکی خود را در میان گذاشت: «جلوی چشم من در سن ۱۳-۱۴ سالگی، مادرم که ۴-۵ ماهه حامله بود، جنین خود را از دست داد چون پدرم به او لگد زد. مادرم به کنج حیاط رفت تا بچه‌ای که از دست داده را با دستان خود خاک کند. من شاهد سال‌ها آزار و اذیت مادرم توسط پدرم بودم.»

خشونت مردان بر زنان در خانواده، از جمله تجربیات مشترک بسیاری از زنان است. اخبار زن‌کشی برای بسیاری از زنان یادآور خاطرات تلخی است که در خانواده خود داشته‌اند، لحظاتی که در محلی که باید بیشترین احساس امنیت را می‌کردند، احساس خطر کردند. اما چرا مهم است که این تجربیات بازگو شوند؟

این تجربیات یک تجربه مشترک میان بسیاری از زنان است بنابراین اتحاد را بین زنان بیشتر میکند و آنها را به یکدیگر نزدیک می‌کند.

مردان دانش و آگاهی چندانی از تجربه زیسته زنان ندارند و لازم است که با گوش‌دادن به این تجربیات خشونت، از دنیای زنان مطلع شوند.

خشونت چرخه‌ای بی‌پایان است. زنانی که به دست مردان خانواده به قتل رسیدند، پیش از آن بارها مورد انواع خشونت قرار گرفته‌اند: مثلاً محدود شده‌اند، در خانه حبس شده‌اند، مورد ضرب و شتم قرار گرفته‌اند و ... بنابراین بازگو کردن این تجربیات ممکن است حساسیت قربانیان خشونت را بالا برده و توجه آنها به علامت‌های خطر باعث شود که خود را به موقع از چرخه خشونت نجات دهند.

در دنیای رسانه و خط فکری عموم مردم، خشونت مردان خانواده به زنان اتفاقی نادر است که آن را به قومیت، محل زندگی، تحصیلات و ... مرتبط می‌دانند. اما در حقیقت این نوع خشونت بسیار فراگیر است و در شهرهای بزرگ و توسط افرادی که وجه عمومی خوبی دارند نیز انجام می‌شود. بنابراین برای بالا رفتن آگاهی و حساسیت عموم مردم نیاز است که تا دیر نشده تجربیات زنان بازگو و منتشر شوند.

بازگو کردن تجربیات خشونت مردان خانواده بر زنان، باعث می‌شود که ریشه‌های آن تحلیل شده و خलाهای قانونی موجود شناسایی شوند تا با رفع آنها امنیت زنان تامین شود.

ریشه‌یابی کنیم:

چه مشکلاتی وجود دارد؟

زن کشی، حد غایی خشونت مردان بر زنان است. مثل دیگر اشکال تبعیض جنسیتی و خشونت جنسیت محور می‌توان آن را به موضوعات مختلفی مرتبط دانست، از دین و فرهنگ گرفته تا ادبیات حقوقی و قانون‌گذاری. در اینجا به چند مورد که در جلسه اشاره شد می‌پردازیم.

زن به مثابه ملک مردان

زن همواره به صورت دارایی مرد به تصویر کشیده می‌شود. از کتاب‌های درسی گرفته تا رسانه‌ها و ادبیات حاکم بر جامعه، زن ناموس مردان خانواده دانسته می‌شود. آبروی مردان وابسته به کنترل و سرکوب زن است. واژه‌های خون چکانی همچون ناموس و غیرت همچنان به صورت روزمره استفاده می‌شوند. در این فرهنگ حاکم، زن نه به عنوان یک انسان بلکه به عنوان یک شی متعلق به مردان دیده می‌شود، بنابراین حقوق انسانی او نادیده گرفته شده و مانند یک دارایی یا ملک شخصی باید مطابق خواسته‌های مردان خانواده رفتار و زندگی کند. در این فرهنگ، زمانی که زن، خواستار آزادی و حقوق خود می‌شود، مردان خانواده آبرو و قدرت خود را در خطر دیده و تصمیم بر اعمال خشونت در سطح‌های مختلفی می‌کنند. از محرومیت از تلفن و محدود کردن زنان گرفته تا قتل‌های ناموسی و زن‌کشی.

نبود خانه‌های امن

خانه امن به مکانی گفته می‌شود که از طرفی پناهگاه زنان تحت خشونت است و از طرف دیگر آنان را توانمند می‌کند تا خود را از چرخه خشونت نجات بدهند. با این تفصیل در ایران خانه امنی وجود ندارد چرا که از طرفی زنان دسترسی به خانه امن ندارند و از طرف دیگر این «خانه‌های امن» امکانات محدودی دارند و زنان را توانمند نمی‌کنند و حتی طبق گزارش‌های رسیده، گاهی خود تبدیل به مکانی برای اعمال خشونت بر زنان می‌شوند (به جز انگشت شمار استثنا که مربوط به بخش خصوصی هستند). برخی از زنان گزارش داده‌اند که در این خانه‌ها همچون زندانی با آنها برخورد شده، از حقوق انسانی خود و آزادی‌های اولیه محروم

شده‌اند و حتی از خشونت کلامی کارکنان این مراکز نیز در امان نبوده‌اند، مثلاً بعضی از کارکنان به آنها القابی همچون فاحشه نسبت داده‌اند.

قوانین تبعیض آمیز

زمانی که بحث قتل‌های ناموسی پیش می‌آید، **قوانین حاکم نه تنها بازدارنده نیستند بلکه در بعضی از مواقع مشوق قاتلان هستند.** بیان عزیزی (نویسنده و پژوهشگر حقوق بین‌الملل) به ماده ۶۳۰، ماده ۳۰۱ و ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی اشاره کرد و اظهار داشت که این قوانین از جمله قوانینی هستند که به طور مستقیم به قتل ناموسی اشاره می‌کنند. **این قوانین به نوعی به پدر و جد پدری اجازه قتل فرزند خود را می‌دهد و به شوهران اجازه قتل همسر خود (در صورتی که زن در حال خیانت به شوهر باشد).** عزیزی به این نکته نیز اشاره کرد که اکثر قاتلان در قتل‌های ناموسی کاملاً به صورت آگاهانه مرتکب قتل می‌شوند. مثلاً در قتل رومینا، پدرش قبل از بریدن سر او، آلت قتاله را آماده می‌کند و با وکیلی مشورت می‌کند و متوجه می‌شود که به عنوان پدر قصاص نمی‌شود.

در قتل غزل نیز، شوهرش سر بریده او را در شهر می‌چرخاند و به مردم نشان می‌دهد. در هر دوی این موارد به بیان حقوقی انتخاب آگاهانه رخ داده است. یعنی قاتل تحت جنون آتی و یا تحت تاثیر مواد روانگردان و غیره نیست و در هوشیاری کامل سنجش کرده بین سود و زیان عملش و سپس تصمیم گرفته است. بنابراین از نظر حقوقی، این قوانین هستند که در بعضی موارد مثل قتل رومینا، زمینه کشتن زنان به دست مردان خانواده را فراهم می‌کنند.

البته در ریشه‌یابی این بحث باید به دیگر قوانین تبعیض‌آمیز نیز اشاره کرد، **قوانینی همچون محرومیت زنان از حق طلاق، و نیز قانونی و شرعی بودن کودک همسری.** همانطور که می‌دانید در ازدواج، زنان چیزی به عنوان حق طلاق ندارند، نبود حق طلاق آنها را به نوعی زندانی ازدواج می‌کند. **زنان حتی زمانی که تحت خشونت هستند، قانون را پشتیبان خود نمی‌بینند و حتی نمی‌توانند از همسر خشونتگر خود جدا شوند.** به طور خاص در ماجرای قتل غزل، او حتی نمی‌توانست از دادگاه درخواست طلاق کند چون زیر ۱۸ سال بود. یعنی همان قانونی که او را به اندازه‌ای عاقل می‌دانست که در خطبه ازدواج بله بگوید، به او اجازه درخواست طلاق نمی‌داد. او که قصد داشت از همسر خود جدا شود، دست به دامن پدر خود شد اما پدرش نیز از او حمایت نکرد زیرا طلاق را بد می‌دانست.

از طرف دیگر زنان قربانی کودک همسری، در خیلی از مواقع قربانی خشونت خانگی نیز هستند. خشونت خانگی‌ای که در صورت تشدید ممکن است با قتل این زنان خاتمه یابد. بنابراین در بحث حقوقی، قانون به طور کلی نه تنها امنیت زنان را تامین نمی‌کند بلکه حتی خشونت علیه زنان را تشویق و تشدید می‌کند.

کاری باید کرد:

چه راهکارهایی وجود دارد؟

از ابتدای جلسه، توجه همه شرکت‌کنندگان بر روی راهکارهایی در جهت جلوگیری از قتل‌های ناموسی بود. رضوان مقدم (کنشگر جنبش زنان و سخنگوی کمپین توقف قتل‌های ناموسی)، ضمن نقد واکنش‌های هیجانی افراد پس از هر قتل ناموسی اظهار داشت که لازم است که این هیجانات ایجاد شده پس از قتل هر زن به رفتار درست، هدفمند و نتیجه‌بخش تبدیل شود تا این زنان فراموش نشوند و جلوی قتل زنان دیگر نیز گرفته شود. او درباره اهمیت آموزش و آگاهی‌بخشی گفت: «من به عنوان شخصی که کارم آموزش است به شما می‌گویم که راه‌حل در «آموزش» است! آموزش از خانواده شروع می‌شود. همین مردی که غزل را کشته، متوجه شدیم که پدرش هم خواهرش را کشته است! کسی که در چنین خانواده‌ای بزرگ شده است آیا بهتر عمل می‌کند؟ نه!»

عزیزی نیز اصلاح قوانین را مهم‌ترین راهکار قانونی معرفی کرد، اما ضمن ابراز ناامیدی از تغییر و اصلاح قوانین گفت: «همانطور که می‌دانید لایحه «حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت» نیز تصویب نشده و بارها برگشت خورده است و در مورد قتل‌های ناموسی چون قانون از قوانین فقهی آمده است، راهکار اجتهادی لازم است که تاکنون نتیجه خاصی نداده است.» او به راهکارهای قانونی دیگری نیز اشاره کرد از جمله درخواست تشدید مجازات از قاضی پرونده‌های قتل ناموسی تا برای قاتلان قتل‌های ناموسی حکم حداکثر میزان حبس (۱۰ سال) را بدهند. کودک همسری نیز به عنوان عاملی که زنان را تحت خشونت قرار می‌دهد باید ممنوع شود و قوانین تبعیض‌آمیز ازدواج اصلاح شوند تا زنان حداقل بتوانند همسر خشونتگر خود را طلاق دهند و جدا شوند.

راهکار مهم دیگر شناسایی و حفاظت از زنان در معرض خشونت است. همانطور که پیشتر نیز اشاره شد، قربانیان قتل‌های ناموسی، قبل از به قتل رسیدن تحت انواع خشونت‌های

فیزیکی و غیر فیزیکی از طرف مردان خانواده خود بوده‌اند. بنابراین قاتل قبل از اینکه بخواهد ماشه نهایی را بکشد، بارها و بارها با انجام کارهای خشونت‌آمیز به نوعی زنگ‌های خطر را به صدا در می‌آورد. زنان باید دسترسی سریع به خانه‌های امن داشته باشند، خانه‌های امنی که آنان را توانمند می‌کند و به آنها از لحاظ حقوقی، مالی و سلامتی کمک می‌کند.

از جمله دیگر راهکارهایی که پیشنهاد شد، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- آگاهی‌رسانی همه جانبه
- انتشار اطلاعات درست
- حمایت از کمپین‌ها و حرکت‌های مرتبط (از جمله کمپین توقف قتل‌های ناموسی، کمک‌های مردمی به نجات‌یافتگان قتل‌های ناموسی و...)
- ایجاد کمپین‌های مرتبط برای تغییر و اصلاح قوانین
- اصلاح ادبیات و باورهای مردم و رسانه‌ها (حذف کلمات غیرت و ناموس، مستقل دیدن زنان و عدم ایجاد فشار فرهنگی برای کنترل زنان و...)

معرفی کمپین توقف قتل‌های ناموسی

این کمپین بر ابعاد مختلف قتل‌های ناموسی تمرکز می‌کند. هدف اولیه این کمپین بر روی دو بعد فرهنگی و حقوقی است، که به کشتن زنان توسط مردان به نام دفاع از "ناموس" دامن می‌زند. قوانین، فرهنگ و ساختارهای زن ستیزانه که بطور مستقیم و غیرمستقیم، از آموزش‌های ابتدایی تا آموزش عالی و به وسیله رسانه‌های دولتی در جامعه ترویج می‌شود، سبب نهادینه شدن مردسالاری در جامعه شده و بستر قتل‌های ناموسی را فراهم می‌کند. بنابراین، کمپین همزمان بر تغییر قوانینی که آشکارا و یا پنهان از عدم برابری جنسیتی و قتل‌های ناموسی حمایت می‌کنند و نیز بر تغییر فرهنگ زن ستیز در ایران تمرکز می‌کند. این کمپین بلند مدت، برنامه دارد تا زمان رسیدن به نتیجه مطلوب به راه خود ادامه دهد.

جمع بندی:

باید کاری کرد، چه آن کار حمایت و همکاری با کمپین‌های موجود باشد و چه ساخت کمپین‌های جدید برای اصلاح شرایط کنونی. **مهم است منفعل نباشیم و با توجه به راهکارهای پیشنهاد شده، کاری بکنیم.**

شما نیز اگر مایل هستید اقدامی انجام دهید، می‌توانید به ما پیام دهید.

از رومینا تا غزل،
سوگواری کافی است
کاری باید کرد!



همه‌مون
hamamoun